

شکنجه و عذاب در مجازاتها و شدت آنها و محکومیت های مربوط بدفاع از مذهب از بین برده شد.

بعلاوه مکتب نئوکلاسیک موجب شد که به محاسن که تأثیر شایانی در اصلاح مجرم دارند توجه مخصوص بنمایند در موضوع جرائم سیاسی نیز مجازات اعدام لغو گردید زیرا بعقیده این مکتب مجرم سیاسی شخصی است که در یک مبارزه شراقتمندانه مغلوب شده است و در اثر همین نظر است که مجرمین سیاسی از کار اجباری معاف شده اند.

این مکتب اظهار میدارد که در موقع وقوع جرم جامعه نسبت به آن عکس - العمل خود را نشان میدهد و همانطوریکه بدن انسانی در موقع ابتلاء به کسالت و پیدا شدن میکرب در مقام دفاع از آن برمی آید همانطور هم جامعه نسبت بشخص مجرم که یک میکرب اجتماعی است عکس العمل خود را برای محترم داشتن نوامیس اجتماعی و حفظ جامعه نشان میدهد طرفداران مکتب بزی تی و بست عقاید مختلفه راجع بعلت وقوع جرم داشته اند.

یک دسته که رئیس آنها لومبروز بوده علت پیدایش جرم را در شخص مجرم قرار داده و معتقدند که بعضی اشخاص از جهت ساختمان بدنی که خصوصیات آن از علائمی که در آنها وجود دارد معلوم میشود بطور ناگزیر مرتکب جرم میشوند و باید جامعه برای دفاع خود رفع شر بنماید.

دسته دیگر که رئیس آن فری می باشد معتقدند که علت وقوع جرم همانا محیط اجتماعی است: این دسته عقیده دارند که هر جامعه یک حد اشباع جزائی دارد که در آن حد در آن جامعه جرائمی اتفاق میافتد و برای اینکه کمتر جرم ارتکاب شود باید وسائلی اندیشید که حد اشباع جزائی یعنی ظرفیت جزائی یک جامعه از حیث تحلیل جرم تقلیل یابد.

گارفالو در تعقیب همین فکر جرائم را بدو قسمت تقسیم نموده جرائم طبیعی جرائم مصنوعی.

جرائم طبیعی جرائمی است که ملکات و احساسات مربوط بخیرات و میرات انسانی را جریحه دار میکند اینگونه جرائم از طرف تمام قوانین جزائی دنیا پیش بینی

شده اند در صورتیکه جرائم مصنوعی بر حسب ممالک، مختلف می شود باین معنی که در اثر کیفیات اقلیمی و اجتماعی مخصوص هر ممالکتی فرق پیدا می نماید مکتب پزی-تی ویست مجرمین را به پنج طبقه تقسیم نموده مجرم فطری، مجرم مختل المشاعر، مجرم عادی، مجرم آبی و بالاخره مجرم معمولی (اتفاقی) روبه جزائی که نسبت بهر يك از دسته های پنجگانه فوق انتخاب شده بقرار زیر است.

مجرمین مختل المشاعر باید در بازداشت نگاهداشته شوند و بازداشت آنها باید بیشتر جنبه معالجه داشته باشد (تا جنبه کیفری) مجرمین بالنظره و عادی باید بوسیله اعدام یا حبس ابد از جامعه احراج شوند.
مجرمین آبی و اتفاقی باید محکوم بفرامت گردند.

مکتب پزی-تی ویست این مکتب معتقد است همانطوریکه با موازین عدلی نمیتوان نقاد ثابت نمود که انسان مختار در اعمال خود است همانطور نمی-

توان اثبات نمود که انسان در اقدامات خود اختیار نداشته و اعمال او مستند بمواهل خارجی است طرفداران این مکتب میگویند در حل مسائل جزائی باید وارد در مباحثه مختاریت و عدم مختاریت انسان نشد.

مجمع بین المللی حقوق امروز علمای حقوق جزائی معتقدند که در حل مسائل جزائی جزائی و انتخاب روبه های متناسبه تنها باید تجربه را هادی و پیشوای

خود قرار داد و بهترین سیاست جزائی عبارت از سیاستی است که در عمل برای مبارزه با وقوع جرم نتایج مطلوبه را میدبخشد.

[تاثیر مکتب پزی-تی ویست در قوانین جزائی دنیا]

پس از ظهور مکتب پزی-تی ویست مللی که میخواستند قوانین جزائی خود را تنظیم نمایند بیشتر اصول مکتب پزی-تی ویست را قبول نمودند مثل قانون جزائی نروژ و ایتالیا و غیره و ممالکی هم که سابقاً در موقع تنظیم قوانین جزائی خود تعقیب از اصول شوکلاسیسم را نموده بودند بعضی از اصول پزی-تی ویست ها را قبول نموده و متدرجاً در قوانین جزائی خود داخل نمودند.